

گروه خبر

۲۲ خرداد یا ۱۲ ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودک است. به کارگیری کودکان در کشورهای که به حقوق کودکان احترام گذاشته می‌شود، یک جرم بسیار سنگین است و حتابرخی فعالان این حوزه از آن به عنوان یک جنایت در حق کودکان یاد می‌کنند. این وضعیت اما در آفریقا، بخش‌های از جنوب شرق آسیا و خاورمیانه کلاً متفاوت است. کودکان سرپاز در آفریقا، کودکان کار در کارخانه‌های کشور چین یا تایوان و کودکان کار خیابانی در کشورهای مثل افغانستان، عراق و ایران!

گرفته شدن دوران کودکی، آسیب‌های جبران‌ناپذیر ناشی از خشونت‌های کلامی، جسمی و جنسی، احتمال ابتلا به اعتیاد و ایزد و حتا از دست دادن جان، بخشی از خطراتی است که کودکان کار با آن روبرو هستند.

■ کودکان کار ایران!
مطابق ماده ۷۹ قانون کار، کار کودک زیر ۱۵ سال در کشور ممنوع است. با این وجود ماده ۸۰ همین قانون گفته افراد ۱۸ تا ۱۱ سال، کارگر نوجوان محسوب می‌شوند و به شرط ساعت کار کمتر و عدم تهدید سلامت جسم‌روان، اشتغال

ایشان مشکلی ندارد. با این وجود، آمارهای مربوط به کودکان کار در کشور ایران شوکه‌کننده و بی‌تأثر است.

انجمن پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی می‌گوید بیشترین کودکان کار خیابانی بین ۶ تا ۱۱ سال دارند. ۳۰ درصد ایشان بی‌سواد هستند و به مدرسه نمی‌روند و نرخ ابتلای کودکان کار و خیابان به ایزد ۴۵ برابر جامعه است.

استناد جمله آخر انجمن به سخنان مینو محرز؛ رئیس مرکز تحقیقات ایزد است: «۷۰ هزار کودک کار تهرانی که روی‌شان مطالعه شده، ۵۲ درصد نابینا هستند. اما در جمعیت عمومی کشور این آمار یک‌دهم درصد است. یعنی شیوع ایزد در کودکان کار و خیابانی ۴۵ برابر جامعه است.»

مطابق پژوهش‌های علمی، ۷۲ درصد کودکان کار از مصرف مواد مخدر توسط دوستانشان خبر داده‌اند. ۱۵ درصد خودشان مصرف کننده و ۴۶ درصد ایشان از مواد تزریقی استفاده کرده‌اند. همچنین یک‌فصل حقوق کودک اعلام کرده بیش از ۳۲ درصد کودکان کار مورد آزار جسمی، روحی و جنسی قرار می‌گیرند.

نتایج یک مطالعه تحقیقی در تهران و روی ۵۰۰ مورد از کودکان نشان داده حدود ۶۹ درصد کودکان کار پسر و ۳۱ درصد ایشان دختر هستند. از این میان نزدیک ۶۴ درصد افغانستانی، ۲۶ درصد ایرانی و ۴ درصد پاکستانی بودند. محصداً صنف بیضی؛ سرپرست مؤسسات سیاسی امنیتی و اجتماعی استناد کرده: «هر سال ما بین ماهی سال گذشته ۸۰۰ کودک کار -در شهر کرمان- شناسایی شدند که ۵۰۰ کودک افغانی بودند». همچنین وی در ادامه می‌گوید: «مرکز دیدمان بهزستی اعلام کرده بیشترین کودک کار در بازه سنی ۴ تا هفت‌سال هستند».

■ کودکان کار در سیرجان و آمارهایی که نیست!
برای دلستن اوضاع کودکان کار در سیرجان، به صورت جداگانه به سراغ رئیس بهزستی، فرمانده سیاسی و امنیتی فرمانداری، ادرار اتباع فرمانداری و فرمانده نیروی انتظامی رفته‌یم. آن‌چه می‌خوانید نتیجه سه ساعت گفت‌وگو با جگانه با این مسئولان است. اما پاسخ به مورد مربوط به کودکان کار بسیار دشوار است زیرا در هیچ‌کدام از مراجع و مراکز مربوطه آمار دقیقی از کودکان کار وجود ندارد. هیچ‌گونه کار تحقیقاتی و پژوهشی برای یافتن آمار ی از کودکان کار انجام نشده و از یک کاودفایتن آمار از موضوعی است که مختصات دقیق و در ابعادش وجود ندارد. هیچ آمار دقیق و تفکیک شده‌ای از تعداد کودکان کار، توزیع سنی و جنسی ایشان وجود ندارد. جالب اینجاست هیچ آمار موق و دقیقی حتا از تعداد اتباع خارجی مجاز نیز وجود ندارد. نیروی انتظامی به‌صراحت می‌گوید چیزی که همیشه اعلام شده یک‌دهم جمعیت یا ۱۰ درصد آن است

دو روی سکه کودکان کار در سیرجان
آمارهایی که نیست



عکس: امین ارجمند | پاسارگاد

می‌گیریم ولی در مورد کودکان کار اتباع خارجی که حتا یکبار نزدیک ۲۴ ساعت از آن‌ها نگهداری کردیم چنین مواردی دیده‌نشده.

در مورد اعتیاد این کودکان، رئیس بهزستی می‌گوید: ما مودی ندیدیم اما گله موداری از مصرف ناس توی این بچه‌ها دیده می‌شود. معلون فرماندار می‌گوید ما تاکنون به مودی برخوردیم. مسئول اداره اتباع فرمانداری بحث را به سمت متکدیان می‌برد و می‌گوید: اعتیاد در بین متکدینی که اتباع خارجی محسوب می‌شوند خیلی کم است و این متکدیان ایرانی هستند که غالباً اعتیاد دارند. فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به این که شاید در سیرجان از هر ۱۰۰ نفر یک نفر اعتیاد داشته باشد، می‌گوید این آمار در بین کودکان کار اتباع خارجی یک به هزار است. مگر اینکه افرادی بخواهند از وجود این کودکان به عنوان کسب درآمد یا منفعت استفاده‌کنند که آن‌هم در سیرجان نیست.

■ معضل مرکز نگهداری از کودکان کار
کودک، کودک است. انسانیت حکم می‌کند اهمیت نداشته باشد که کودک کار متعلق به کدام ملیت است. زیرا این کودکان با نیت و اختیار خود محل زندگی خویش را انتخاب نکرده‌اند و حتا کاری که انجام می‌دهند، تابعی از سه ملت فرهنگ‌خاوندگی یا ملی کشورشان، شرایط خاص زندگی در کشور میزبان و وضع زندگی خانواده کودک کار است.

به نظر می‌آید در سیرجان راه‌های برای حل مشکل کودکان کار وجود ندارد. هر عهده گرفتن مسئولیت این کودکان پیامدها و عواقبی دارد که دست‌نگاه‌های سیرجانی ترجیح می‌دهند با آن روبرو نشوند. هر کدام از دستگاه‌ها مسئولیت را متوجه دستگاه دیگری می‌دانند. اتباع فرمانداری می‌گوید اصولاً تأسیس مرکز سالمندی کودکان کار در حیطه وظایف شهرداری‌ها است اما شهرداری سیرجان این کار را انجام نداده. تأکید دارد یک منزل برای نگهداری کودکان کار هست ولی بهزستی می‌گوید مخصوص اتباع ایرانی است و از اتباع بیگانه نگهداری نمی‌کند. معلون فرمانداری نیز همین موضع را تأیید می‌کند و می‌گوید دوستان بهزستی باید بروند پیدا کنند ما یک خله در مکی آید که متعلق به شهرداری بود. اگر قسیم‌وولگانز کریم‌به بهزستی اما چون این کودکان اتباع خارجی هستند، حتماً باید دستور دستگاه قضایی باشد. بدون آن نمی‌شود نگهداری کنیم. ولی ما آمادگی داریم تا بهزستی این خانه را تحویل بگیرد و این مرکز را راه‌بندار. وظیفه شهرداری‌ها است که یک مرکز با همکاری بهزستی، نیروی انتظامی و دستگاه قضایی فراهم کنند و این بچه‌ها را حتا به صورت موقت نگهداری کنند. بارها به شهرداری هم اعلام کردیم ولی استقبالی نکردند. به بهزستی هم گفتیم اگر بخواهد می‌توانیم یک خله را در اختیارشان بگیریم اما نخواستند.

رئیس بهزستی با اشاره به قولین این سازمان می‌گوید ما فقط متولی کودکان کار ایرانی هستیم. در مورد کودکان کار اتباع ججاز خود خانواده دارند کاری از ما جز معرفی به مرجع قضایی بر نمی‌آید. قاضی هم می‌گوید نمی‌توانم برای بچه هفت ساله حکم بدهم. این موضوع باید از طرف اداره اتباع فرمانداری بگیری. شود. اگر خانواده کودک کار کارت اقامت دارند باید تعهد گرفته شود که دیگر کودک کار نکند و در صورت تکرار، کارت اقامت باطل شود. اگر خانواده کودک از اتباع غیرقانونی هستند باید طرد شوند. خانواده‌ها متوجه این خلأ قانونی شده‌اند و می‌دانند ما مستعان بسته است. در فرمانداری کارگروه وجود دارد که متکدیان داریم که کودک کار در آن می‌تجدد قانون وظایف را مشخص کرده ولی قانون در بحث طرد اتباع بیگانه می‌لنگد. خلأ قانونی هست کودک را می‌گیریم ولی خانواده اسلامی‌اید پیگیری شود چون می‌دانم هیچ اتفاقی برای کودک نمی‌افتد. ما هم نمی‌توانیم کودک از یاد نگهداریم و ناچاریم رهاایشان کنیم.



رئیس بهزستی

رئیس بهزستی می‌گوید ما فقط متولی کودکان کار ایرانی هستیم. در مورد کودکان کار اتباع ججاز خود خانواده دارند کاری از ما جز معرفی به مرجع قضایی بر نمی‌آید. قاضی هم می‌گوید نمی‌توانم برای بچه هفت ساله حکم بدهم. این موضوع باید از طرف اداره اتباع فرمانداری بگیری. شود. اگر خانواده کودک کار کارت اقامت دارند باید تعهد گرفته شود که دیگر کودک کار نکند و در صورت تکرار، کارت اقامت باطل شود. اگر خانواده کودک از اتباع غیرقانونی هستند باید طرد شوند. خانواده‌ها متوجه این خلأ قانونی شده‌اند و می‌دانند ما مستعان بسته است. در فرمانداری کارگروه وجود دارد که متکدیان داریم که کودک کار در آن می‌تجدد قانون وظایف را مشخص کرده ولی قانون در بحث طرد اتباع بیگانه می‌لنگد. خلأ قانونی هست کودک را می‌گیریم ولی خانواده اسلامی‌اید پیگیری شود چون می‌دانم هیچ اتفاقی برای کودک نمی‌افتد. ما هم نمی‌توانیم کودک از یاد نگهداریم و ناچاریم رهاایشان کنیم.

ولی آمار دستی در این رابطه نداریم. سرهنگ ایران‌زاد می‌گوید اگر ما جمعیت سیرجان را ۳۰۰ هزار نفر حساب کنیم، یک‌دهم جمعیت، ۳۰ هزار نفر می‌شود. البته این عدد به صورت شنلور و کلی است. گفته می‌شود نصف این تعداد مجوزدار و تصدیق‌گیری مجوز هستند. معلون سیاسی فرمانداری می‌گوید حدود ۱۲ هزار افغانی مجاز در سیرجان هستند که کارت اقامت یا گذرنامه ندارند. گذرنامه به این شکل است که محل سکونت، استان، کرمان درج می‌کنند و این افرادی می‌توانند در هر کدام از شهرهای استان که ممنوعیت حضور افغانستانی‌ها نباشد، سکونت کنند. به همین دلیل آمار ماتمیز است. احتمال می‌دهیم به همین تعداد نیز افغانستانی غیرمجاز داشته باشیم. اما اداره اتباع فرمانداری کمتر از میزان اعلام شده است. هر چند در نهایت همان آمار معلون فرمانداری را به عنوان آمار نهایی می‌پذیرد.

معاون فرماندار همچنین سن بیشتر کودکان کار را ۱۳ تا ۱۷ سال اعلام کرده و می‌گوید ۹۵ درصد کودکان کار پسر و ۵ درصد دختر هستند. با این وجود خود مسئولان نیز قبول دارند که آمار هیچ‌کدامشان دقیق و پژوهشی نیست. بیشتر براساس تخمین و مشاهدات میدانی است. دلیل چیست؟ پاسخ دست معلون فرماندار است. سهراب بهال‌الدینی می‌گوید آمار دقیق نداریم و آن‌چه گفتیم براساس حدس بود چون آمار دقیق در اداره اتباع استان است. سیستم‌ها توسط اداره اتباع استان قفل شده و ما دسترسی به آمار نداریم.

سوال اینجاست که چرا حتا برای سیرجان که فرمانداری ویژه و فرماندارش معلون استناد است، این آمار قفل است؟ بهال‌الدینی می‌گوید که ستاخر و سیاست اداره اتباع خارجی این است. چون ما هیچ خدمتی اینجا به اتباع خارجی نمی‌دهیم. فقط اگر کسی بخواهد از کشور خارج شود یا از سیرجان به یک شهر دیگر مهاجرت کند ما به کرمان معرفی می‌کنیم و اینجا یک برگ ترد می‌دهند. کاری که ما می‌کنیم همین است. مهتاب حسینی رئیس اداره بهزستی می‌گوید حدود ۴۰ تا ۴۰ کودک کار داریم اما رئیس اورژانس اجتماعی سیرجان در صحبت تلفنی با حسینی، تعداد کودکان کار ثابت را ۱۵۰ نفر ذکر می‌کند. سهراب بهال‌الدینی معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری



ولی آمار دستی در این رابطه نداریم

سوال اینجاست که چرا حتا برای سیرجان که فرمانداری ویژه و فرماندارش معلون استناد است، این آمار قفل است؟ بهال‌الدینی می‌گوید که ستاخر و سیاست اداره اتباع خارجی این است. چون ما هیچ خدمتی اینجا به اتباع خارجی نمی‌دهیم. فقط اگر کسی بخواهد از کشور خارج شود یا از سیرجان به یک شهر دیگر مهاجرت کند ما به کرمان معرفی می‌کنیم و اینجا یک برگ ترد می‌دهند. کاری که ما می‌کنیم همین است. مهتاب حسینی رئیس اداره بهزستی می‌گوید حدود ۴۰ تا ۴۰ کودک کار داریم اما رئیس اورژانس اجتماعی سیرجان در صحبت تلفنی با حسینی، تعداد کودکان کار ثابت را ۱۵۰ نفر ذکر می‌کند. سهراب بهال‌الدینی معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری



سوال اینجاست که چرا حتا برای سیرجان که فرمانداری ویژه و فرماندارش معلون استناد است، این آمار قفل است؟

بهال‌الدینی می‌گوید که ستاخر و سیاست اداره اتباع خارجی این است. چون ما هیچ خدمتی اینجا به اتباع خارجی نمی‌دهیم. فقط اگر کسی بخواهد از کشور خارج شود یا از سیرجان به یک شهر دیگر مهاجرت کند ما به کرمان معرفی می‌کنیم و اینجا یک برگ ترد می‌دهند. کاری که ما می‌کنیم همین است. مهتاب حسینی رئیس اداره بهزستی می‌گوید حدود ۴۰ تا ۴۰ کودک کار داریم اما رئیس اورژانس اجتماعی سیرجان در صحبت تلفنی با حسینی، تعداد کودکان کار ثابت را ۱۵۰ نفر ذکر می‌کند. سهراب بهال‌الدینی معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری

دو روی سکه کودکان کار در سیرجان
روزی صد هزار تومان درآمد

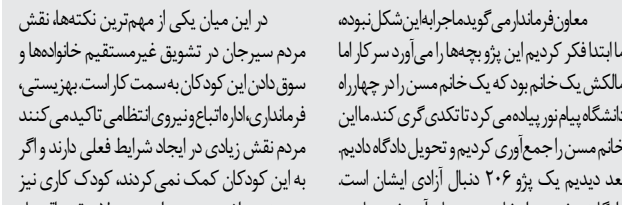
و بچه‌ها را تحویل بگیرند. کودکان خیلی حرفه‌ای هستند. در حقیقت این کودکان کودکان ندانن قانون راحسلی شمرده‌اند می‌دانند کاری از ما بر نمی‌آید.

معلون فرماندار می‌گوید خانواده‌ها می‌دانند با توجه به ملزم شدن آموزش و پرورش به ثبت‌نام کودکان اتباع غیرمجاز، دیگر تا پایان سال تحصیلی هیچ‌کس نمی‌تواند ایشان را از کشور خارج کند. برای همین میزان ثبت‌نام این کودکان در مدارس زیاد شده است. البته ما نیز با آموزش و پرورش صحبت کردیم تا از نظر فرهنگی روی این بچه‌ها کار کنیم. اما در سیرجان ما یک شهر دیگر مهاجرت کنیم ما به کرمان معرفی می‌کنیم و اینجا یک برگ ترد می‌دهند. کاری که ما می‌کنیم همین است. مهتاب حسینی رئیس اداره بهزستی می‌گوید حدود ۴۰ تا ۴۰ کودک کار داریم اما رئیس اورژانس اجتماعی سیرجان در صحبت تلفنی با حسینی، تعداد کودکان کار ثابت را ۱۵۰ نفر ذکر می‌کند. سهراب بهال‌الدینی معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری

گروه خبر
مردم معتقدند کودکان دروغ نمی‌گویند و معصوم هستند. حتا اگر دروغ بگویند هم معصومه است اما علم روانشناسی ثبت کرده کودکان دروغ می‌گویند. اما گله‌بیلر نام‌برزی نیز دروغ می‌گویند و قادر به ظاهر سازی هستند.

این شرح حال وضعیت بخش اعظمی از کودکان کار سیرجان است. کودکانی که به قول معلون فرماندار و رئیس بهزستی حتا با وجود فروش وسایلی مثل دستمال کاغذی، آدامس، شکلات یا ادعاً تکدی محسوب می‌شوند اما آنان متکدیان علنی نیستند. رئیس بهزستی تأکید می‌کند آن‌ها کلاه‌حرفه‌ای هستند! مهتاب حسینی می‌گوید این کودکان کلاص آموزشی دیده‌اند از نوع پوشش که با پوشیدن لبس کهنه و پاره یا سر و شکل کیف جلب توجه و محبت کنند تا اصرارهای فرارشان به کمک و تلاش برای برگیختن گفتگ مسلوسری مردم یکبار می‌تواند انتظامی می‌افتد که کودکان کار جمع کرد و چهار ساعت نگه‌داشت. این‌ها از سوی حیطای جمع‌زندان مردم آمدند و نیروی انتظامی اعترافی کردند که خدا خیرتان نهد. این قدر بچه‌ها از تکت‌زندان چاره‌بچه‌ها را آیت می‌کنند؟ نزدیک بود مردم در کلاتر یا سیرجان بشکندند ولیس ناچار شدند بچه‌ها را هاکند.

سوال این است که مگر یک کودک کار که در حقیقت تکدی‌گری هم می‌کند، چقدر درآمد دارد؟ رئیس بهزستی می‌گوید خانواده‌های کودکان کار می‌گویند هر روزی ۱۰۰ هزار تومان درآمد دارد. این مبلغ معادل ماهی ۳ میلیون تومان درآمد و تقریباً دو برابر حقوق اداره کار است. نکته این‌جست مبلغ ذکر شده براساس خوداظهاری خانواده‌های کودکان بوده و چه بسا رقم واقعی بیش از این‌ها باشد. باتوجه‌به این‌که اکثر خانواده‌های اتباع خارجی بر فرزند هستند اگر یک خانواده سه کودک داشته باشد که



در این میان یکی از مهم‌ترین نکته‌ها، نقش مردم سیرجان در تشویق فرستقیم خانواده‌ها و سوق دادن این کودکان به سمت کار است. بهزستی، فرمانداری، ادارات و اتباع نیروی انتظامی تأکید می‌کنند مردم نقش زیادی در ایجاد شرایط فعلی دارند و اگر به این کودکان کمک نمی‌کنند کاری نیست وجود نمی‌داشت. هر چند این مسئولان فقط اقتصاد

معلون فرمانداری می‌گوید ما جراییه این شکل بنوده ما اینجا فکر کردیم این بچه‌ها را می‌آورد سر کار اما مالکش یک خالم بود که یک خلم مسن را در چهارراه دانشگاه پیام‌نور پیاده می‌کرد تا تکدی‌گری کنند. ما هم مسن را جمع‌آوری کردیم و تحویل دادگانه دادیم. بعد دیدیم یک بچه ۲۰۶ دنبال آزادی ایشان است. دادگانه تشخیص داد خلم مسن، ممان آن دختر صاحب بچه ۲۰۶ است و با تعهداتی که دادند ممان آزاد شد. در حقیقت صاحب بچه دختری بود که مادرش را مجبور به گناهی می‌کرد هر دو ایرانی هم بودند. مادر تحت پوشش کمیته امداد بود اما می‌گفت ماهی ۵۰ یا ۶۰ هزار تومان کمیته به جایی نمی‌رسد و از گدایی بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در روز درآمد دارد!

رئیس بهزستی را تأیید می‌کند و از بزرگی آن کودکان کار را می‌برد و می‌آورد حرف می‌زند. معلون فرماندار می‌گوید ما از زاننده این بچه تحقیق کردیم و گفت تنها براری‌ضای خدایین کار انجام می‌دهد. ممانیز مدرکی که خلاف این حرف را ثابت کند به دست نیاوریم. فرمانده نیروی انتظامی سازماندهی کودکان کار را با وجود بند در این مورد را تکدیب می‌کنند. ایران‌زاد می‌گوید که این‌ها خانواده هستند چهار تا بچه دارد. خودش هم که هست بچه‌ها را گذاشته کنار خودش و گدایی می‌کند.

■ جلد بچهم با حسن نیت سفارش
شدا
می‌آورد می‌رساند بچه‌ها را

مولا ویلا نداشت



رضا مسلمی‌زاده

عنوان این یادداشت را از شعری از علیرضا قزوینه وام گرفتیم. شعری که در روزگار سرایش خویش صدای نسلی شد که آرمان خواهی و عدالت‌طلبی و ایده‌های آرمانشهری علوی خویش را نقش بر آب می‌دیدند. این شعر البته کمی پیش از پایان جنگ و قبل از آن که کشور آهنگ «سازندگی» ساز کند، سروده شده است و برای رویدادهای مابعد خویش حالتی پیشگویانه دارد. حالا یک بار دیگر در روزهایی که «بوقالوهای آمریکا خلیج فارس را شخم می‌زنند... بعضی خاطرشان جمع است که ناوگان آمریکا به استخرهای سروپوشیدمشان کاری ندارد.»

این شعر سال‌ها پیش از آغاز «هضت ویلا سازی» در کشور سروده شده و به شاعر هیچ نمی‌دانسته که آقایی و آقازادگان‌شان از زمین‌خواری و جنگل‌خواری شروع می‌کنند و در پیا و کوه هم رحم نمی‌کنند. بیچاره شاعر نمی‌دانسته که کار ملت به جایی می‌رسد که یکی از فعالان بازار مسکن در کرمان می‌گوید: «مسال با پاینده خلیجی بدی مواجه شده؛ بسیاری از متقاضیان بخش مسکن به دنبال زمین اجاره‌ای برای برپا کردن چادر یا کلتکس هستند.»

اگر تصاویر کاتکس‌نشینی و زاغ‌نشینی بخش تهمیدست جامعه را در کنار تصاویر ویلاهایی از برخی مسئولان کنار هم بگذاریم، متوجه می‌شویم که تسلط سرمایه‌داری منحنط سنتی با در آمیختن در فساد و رانت

و تبعیض حاصل از اقتصاد دولتی، شکلی ناهمگون از یک زیست‌ناعادلانه و غیرانسانی را پیش چشم جهانیان گذارده است. و جایی جز آه و شرمساری باقی نگذاشته است. دستان سرپناهی ایرومند برای بخش عمده‌ای از اهالی ایران روزبه‌روز آرزویی دست‌نیافتنی‌تر می‌شود. از رهگذر همین بی‌توجهی به معشیت اقشار میانی و کهدرآمد جامعه است که احمدی‌نژاد قلمت یک‌منجی ظهور می‌کند. مسکن مهم‌ر باتمام عیب‌و ایرادهایش برای کسانی که از رهگذر آن از پشت‌درنشینیه رهایی یافته‌اند بهشتی است که بی‌شک دعای خیر ساکنان در آن برای احمدی‌نژاد باقیات‌صالحات فراهم آورده است.

همه‌ای از اتفاقات در شرایطی اتفاق می‌افتد که جناح چپ هم سرمنده از شعارهای خویش در دهه‌ی اول انقلاب، پیرو نسخه‌های سرمایه‌داری منحنط گردیده و از ترجمه‌ی دم‌وکراسی به محرومیت‌زایی از لایه‌های اقشار جامعه ناتوان است. فکر در زمستان ۶۶، «بعضی برای جنگ شعار می‌دادند و خودشان از جاده شمال به جبهه می‌رفتند» در تابستان ۹۸ عده‌ای شرایط صفارایی امریکا و فشار تحریم‌ها را فرصتی مغتنم برای مکیدن تمایند رمق اقتصادی ملت کرده‌اند و به انباشت بیشتر ثروت‌های نجومی‌شان می‌انديشند «گفتم: چیزی بخوان گفت: شرمندم، گفت: سال است چیزی نگفته‌ام گفتم: برای عاطفهای که در ما مرده است رحم‌الله من یقره الفاتحه مع الصلوات.»

پرنیا رکن آبادی
فاتح مسابقات تنیس سطح B+ کشور شد



پاسارگاد
پرونده رقابت های تنیس آزاد بانوان سطح B+ کشور در سیرجان با قهرمانی پرنیا رکن آبادی بسته شد، به گزارش دبیرحیات تنیس سیرجان، رقابت‌های تنیس آزاد بانوان سطح B+ کشور با حضور ۳۶ شرکت کننده از استانهای کرمان، تهران، البرز، فارس، اصفهان، هرمزگان، یزد و خراسان رضوی به مدت ۴ روز به میزبانی هیئت سیرجان در باشگاه تنیس درپوش این شهرستان برگزار شد. این رقابت‌ها با سرداوری اعظم میرشاهی و مدیریت محمدا علی نژادعبدالله در دو بخش انفرادی و دوبل آزاد پیگیری شد. در پایان این رقابت ها در بخش انفرادی، پرنیا رکن آبادی و غزاله ترکمن به ترتیب علوین اول و دوم رقابت‌ها را از آن خود کردند و

برگزاری مسابقات قویترین مردان
کاپ آزاد کشور در سیرجان

در وزن ۹۵ کیلوگرم عظیم دایمی کمریند قهرمانی را در سیرجان نگه داشت و به مقام قهرمانی در این وزن رسید، در وزن ۱۰۵ کیلوگرم علی شکاری از قزوین نهمین قهرمانی متوالی خود را جشن گرفت و در دسته سنگین وزن هم محمدرضا تازرو از ایرانشهر به عنوان قهرمانی رسید.

چهار بازیکن به تیم فوتبال گل‌گهر اضافه شدند

بر پایه این گزارش، رضا کرملاجعب، مهاجم، متولد سال ۱۳۷۶ که سابقه حضور در تیمهای نفت مسجد سلیمان، استقلال خوزستان، پرسپولیس تهران و کولان پالو وایکوت فنلاند را در کارنامه دارد. همچنین دیروز - یکشنبه - خبر رسید که محمدطیبه مدافع فصل گذشته تراکتورسازی تبریز به گلگهر سیرجان پیوست.

تیم فوتبال بانوان سیرجان
نایب قهرمان لیگ برتر شد

و شبنم بهشت، ملیکا متولی و زهرا عزیززاده هم برای شهرداری سیرجان گل زدند؛ ضمن اینکه یکی از گلهای سیرجان روی اشتباه بازیکن سیاهان و با عنوان گل به خودی ثبت شد. با این نتیجه، شهرداری سیرجان توانست نایب‌قهرمانی لیگ را به دست بیاورد. آن هم زمانی که شهرداری‌بیم از هفته‌ها قبل موفق شد قهرمانی را به نام خود ثبت کند



سپاهان در این مسابقه را هاجر دیباغی به ثمر رساند